



وو نوین جیاپ: رهبر نظامے نبرد

ضد استعماری ویتنام

گرایش  
بلشویک  
لنینیست‌های ایران  
Leninist.org



از سری جزوات بلشویک-لنینیست‌ها

## وو نوین جی‌آپ (۱۹۱۱-۲۰۱۳): رهبر نظامی نبرد ضد استعماری ویتنام



پتریک مارتین

برگردان: آرام نوبخت

مقدمه مترجم: به مناسبت ۱۲۵مین سالگرد تولد هوشی مین، مقاله زیر که دو سال پیش نگاشته شده است، بازانتشار می‌یابد. این مطلب نگاهی دارد به مبارزات قهرمانانه مردم ویتنام در برابر قوای استعماری، به ویژه امپریالیسم فرانسه و سپس امریکا، همین‌طور نقش هوشی مین و ژنرال جی‌آپ، و خیانت‌های اجتناب‌ناپذیر استالینیسیم به این مبارزات.

\*\*\*

روز یکشنبه، صدها هزار تن از مردم ویتنام برای شرکت در اختتامیه مراسم دولتی و دو روزه خاکسپاری پیکر «وو نوین جی‌آپ»، ژنرالی که فرماندهی نیروهای ویتنام را در جنگ با ژاپن، فرانسه، ایالات متحده و چین بر عهده داشت، در خیابان‌های «هانوی»، پایتخت این کشور صف کشیدند.

مطبوعات، مردمی را تصویر می‌کنند که صادقانه اشک می‌ریزند و تصاویر «جی‌آپ» را بالا برده‌اند؛ یعنی تصاویر فرمانده‌ای افسانه‌ای را که با تسلیم نیروهای فرانسه در «دین بین فو» به سال ۱۹۵۴ توافق نمود و بدین ترتیب مهر پایانی بر یک قرن حاکمیت استعماری زد، و کسی که در زمان فرار آخرین نیروهای امریکا با هلی‌کوپتر در سال ۱۹۷۵ از «سایگون»، هم‌چنان در سمت رهبری نیروی نظامی ویتنام قرار داشت.

«جیاپ» که در تاریخ ۴ اکتبر و در سن ۱۰۲ سالگی درگذشت، آخرین بازمانده ناسیونالیست‌های انقلابی بود که در رأس مهم‌ترین نبرد ضد استعماری قرن بیستم قرار داشتند. جنگ‌های رهایی‌بخش مردم ویتنام، از ۱۹۴۰ تا ۱۹۷۵، یعنی نزدیک به چهار دهه به طول انجامید؛ و در بزرگ‌ترین شکست تاریخ امپریالیسم امریکا، به اوج خود رسید.



در این که «وو نوین جیاپ» یک رهبر نظامی فوق العاده بود، تردیدی نیست. اما پذیرش استقامت و شجاعت او در برابر دشمنان نیرومند و درنده امپریالیست، نباید چشمان ما را به روی پیامدهای برنامه‌ای استالینیستی که او و حزب کمونیست ویتنام به رهبری «هوشی مین» دنبال می‌کردند، ببندد.

«جیاپ» که سال ۱۹۱۱ در روستای «آن‌شا» در استان «کوانگ‌بینگ»، شمال منطقه‌ای که بعدها به خط تقسیم (یعنی به اصطلاح منطقه غیرنظامی شده) تبدیل گردید، میراث‌دار سنت خانوادگی ضدیت با استعمار بود. پدر او در آخرین شورش مهم‌علیه حاکمیت فرانسه در سال ۱۸۸۸ شرکت جسته بود. «جیاپ» در سن ۱۴ سالگی به یک گروه ضد استعماری پیوست، و در سن ۱۸ سالگی به دلیل فعالیت سیاسی به مدت سه سال به زندان افتاد.

«جیاپ» مانند بسیاری از نسل خود، تحت تأثیر الگوی انقلاب روسیه قرار داشت، و به حزب کمونیست هندوچین به رهبری هوشی مین پیوست. او هم‌چنین آشکارا پیوندهایی شخصی را نیز با «هو» برقرار کرد.

اواخر دهه ۱۹۳۰، این دو با خواهران یک دیگر ازدواج کردند. امپریالیسم فرانسه در طول جنگ جهانی دوم این هر دو زن را به قتل رساند، به طوری که یکی از آن‌ها به جوخه اعدام سپرده شد و تیرباران گردید، و دیگری در زندان «هانوی» جان باخت. «جی‌اپ» بعدها دوباره ازدواج کرد و صاحب چهار فرزند شد.

حزب کمونیست هندوچین، بسیاری از همان خصوصیات حزب کمونیست چین را داشت. هرچند این حزب از حمایت قابل توجهی در میان طبقه کارگر و روشنفکران شهری برخوردار شد، اما با اتخاذ برنامه همکاری با طبقه سرمایه داری ملی، آن هم به اسم وحدت ملی علیه امپریالیسم که خود به فاجعه چین طی سال‌های ۱۹۲۶-۲۷ انجامیده بود، قربانی انحطاط استالینیستی انترناسیونال کمونیست گردید.

با این حال در ویتنام طبقه سرمایه دار بومی به مراتب ضعیف‌تر از همین طبقه در چین بود. حاکمیت استعماری فرانسه به بورژوازی این کشور هیچ فضایی برای رشد نداده بود، و در عوض اتکای آن به امپراتور دست‌نشانده، «باؤ دای» و قشری کوچک از مقامات ویتنامی تحصیل کرده فرانسه بود.

در طول بخش عمده دهه ۱۹۳۰، حزب کمونیست هندوچین ضمن پیروی از سیاست «جبهه خلقی» کمینترن که از سوی استالین پس از قدرت‌گیری هیتلر در آلمان در سال ۱۹۳۳ تحمیل شده بود، از مبارزه علنی با استعمار فرانسه عقب نشست. طبق این سیاست، طبقه کارگر به اسم وحدت در مبارزه علیه نازیسم - که پیروزی آن خود محصول سیاست‌های نادرست استالینیست‌ها بود - مقید به اتحاد با قدرت‌های امپریالیستی «دمکراتیک» - از جمله فرانسه، این ارباب استعمارگر هندوچین - می‌شد.

آغاز مرحله «نبرد اقیانوس آرام» در جنگ جهانی دوم طی سال‌های ۱۹۴۱-۴۲، موقعیت سیاسی در ویتنام را وارونه کرد. نیروهای ژاپن پس از «پرل هاربر»، به هندوچین هجوم بردند و رژیم استعماری فرانسه سرنگون شد. حزب کمونیست هندوچین آغاز به سازماندهی مقاومت مسلحانه در برابر قدرت استعماری جدید نمود. این وظیفه به «جی‌اپ» که سرپرستی «اتحادیه استقلال ویتنام» یا «ویت‌مین» را بر عهده داشت، محول گردید.

«ویت‌مین» از یک نیروی انگشت‌شمار جنگجو در کوه‌های جنگلی مرز ویتنام و چین، به یک نیروی نظامی قابل توجه با بیش از ۵ هزار جنگجو مبدل گردید. زمانی که ژاپن در اوت ۱۹۴۵ تسلیم شد، جنگجویان «ویت‌مین» تحت رهبری حزب کمونیست هندوچین به «هانوی» راهپیمایی نمودند و استقلال کشور اعلام شد.

جنگ علیه استعمار فرانسه

آن چه از پی آمد، یکی از بزرگ‌ترین خیانت‌هایی بود که در تاریخ ننگین استالینسم به ثبت رسیده است. توافقات جنگی میان استالین، روزولت و چرچیل، خواهان بازگشت مقامات استعماری فرانسه در هندوچین بود. سربازان فرانسه با موافقت «هوشی مین» و رهبری حزب کمونیست هندوچین، به ویتنام بازگشتند.

چین که در آن مقطع تحت حاکمیت حزب راست‌گرای کومینتانگ بود، ۲۰۰ هزار سرباز را برای اشغال نیمه شمالی ویتنام اعزام و نیروهای ژاپن را خلع سلاح کرد، و رژیم «ویت مین» در «هانوی» را برکنار نمود. اما با فوران جنگ داخلی در چین، نیروهای کومینتانگ عقب‌نشینی کردند و فرانسوی‌ها کنترل مستمره سابق خود را بازیافتند.

طی سال‌های ۱۹۴۵-۴۶، حزب کمونیست هندوچین هرگونه مخالفت با استقرار دوباره حاکمیت استعماری را با رفتن در پشت این ادعا سرکوب نمود که استقلال ویتنام تنها به واسطه توافق مورد مذاکره با مقامات فرانسه ضمانت خواهد داشت.

حزب کمونیست هندوچین به کارزاری کثیف علیه تروتسکیست‌های ویتنام دست زد که از حمایت قابل توجهی در میان طبقه کارگر، به خصوص در «سایگون» برخوردار بودند و در تقابل با تسلیم استالینیستی در برابر استعمار فرانسه قرار داشتند. رهبر تروتسکیست‌ها، «تا تو تائو»، به فرمان «هوشی مین» به قتل رسید؛ «جی‌اپ»، به عنوان فرمانده «ویت مین» نقشی مهم در انجام سرکوب‌های خشن ایفا نمود.

با این وجود، مصالحه استالینیست‌ها هر مقدار هم که می‌بود نمی‌توانست امپریالیسم فرانسه را متقاعد به پذیرش استقلال ویتنام کند. در نوامبر ۱۹۴۶، قایق‌های جنگی فرانسه در شهر بندری «های فونگ» آتش گشودند و طی تنها یک روز، ۶ هزار کشته برجای گذاشتند. ماه بعد، جنگی تمام‌عیار آغاز شد. لژیون خارجی فرانسه، «ویت مین» را از شهرها بیرون کرد و جنگی چریکی آغاز شد که تقریباً هشت سال به طول انجامید.

این چرخش به سوی جنگ چریکی، درست مانند مورد چین، بخشی از یک تغییر در محور طبقاتی حزب کمونیست هندوچین بود؛ یعنی تغییر جهت از حزبی که ریشه در طبقه کارگر داشت، به سوی حزبی که توده‌های دهقان روستایی را به حول یک برنامه بورژوازی (استقلال ملی، بازتوزیع زمین، سرنگونی زمین‌داری و سلطنت) بسیج می‌کرد.

«جی‌آپ» فرمانده نظامی نیروهای ضد استعماری بود که در نواحی روستایی سنگر گرفته و نبردی را در برابر اشغالگران فرانسه آغاز کرده بود که بیش از پیش مؤثر واقع می‌شد. این نبرد در بهار ۱۹۵۴ و در جریان محاصره ۵۵ روزه ای به اوج رسید که منجر به تسلیم پادگان فرانسه در «دین بین فو» (دژ دوردستی که در تلاش برای قطع خطوط تدارکاتی «ویت مین» برپا شده بود) گردید.



سربازان فرانسوی در حال پناه گرفتن در سنگرهای «دین بین فو»

«دین بین فو»، یکی از ماندگارترین موارد عملیات نظامی قرن بیستم بود. ده‌ها هزار کشاورز دهقان تحت هدایت «جی‌آپ»، قطعات سوا شده توپخانه را به کوه‌های اطراف این دژ حمل کردند، و در این جا سلاح‌ها مجدداً سرهم گردید و به سوی اردوگاه فرانسه هدف گرفته شد.

تلاش لجستیک برای حفظ محاصره، حیرت‌آور بود. یکی از مورخین نوشت: «دوچرخه‌هایی که تجهیز شده بودند، همراه با تدارکاتی به وزن صدها پوند، جاده‌های گل‌آلود را درمی‌نوردیدند. جی‌آپ بعدها یادآوری کرد که به ازای هر یک کیلوگرم بار رسیده برای سیر کردن سربازان درگیر محاصره فرانسوی‌ها، به ۲۱ کیلوگرم برنج برای حاملین بار نیاز بود».

بمباران های «ویت مین» با توپخانه نهایتاً منجر به تعطیلی فرودگاه نظامی شد، و تنها امکان دریافت تدارکات برای نیروهای فرانسه، ارسال آن از طریق چتر بود. مقامات فرانسه خواهان حمله تاکتیکی با سلاح هسته ای برای نجات پادگان شدند، اما رئیس جمهور امریکا، آیزن هاور و نخست وزیر بریتانیا، چرچیل به این خواسته پاسخ منفی دادند. پادگان در تاریخ ۷ مه ۱۹۵۴ پس از تحمل تلفات ۷ هزار نفری و ۱۱ هزار اسیر، تسلیم شد. روز بعد حکومت فرانسه اعلام کرد که از هندوچین عقب نشینی خواهد کرد.

«دین بین فو» نه فقط نقطه تحولی در تاریخ ویتنام، که همین طور در مبارزه ضد استعماری در سرتاسر جهان بود. برای نخستین بار، شورشیان یک کشور تحت ستم در «جهان سوم»، ارتش یک قدرت اصلی امپریالیستی را قاطعانه شکست داده بودند. «دین بین فو» تنها پنج سال پس از پیروزی انقلاب ۱۹۴۹ چین، حفظ و تداوم سرکوب استعماری در بخش هایی از آسیا و افریقا را که قدرت های اروپایی هنوز با ولع به آن ها چسبیده بودند، ناممکن می نمود.

#### امپریالیسم امریکا، جایگزین فرانسه می شود

با این حال باری دیگر استالینیسیم به نجات امپریالیسم آمد. در کنفرانس ژنو به سال ۱۹۵۴ که تنها چند روز پیش از سقوط «دین بین فو» آغاز شد، رژیم های ویتنام و چین به توافقی رسیدند که به موجب آن، ویتنامی ها از نیمی از پیروزی به دست آمده خود محروم می شدند. کشور در امتداد مدار ۱۷ درجه تقسیم شد. در همان حال که «ویت مین» در «هانوی» به قدرت می رسید، یک رژیم دست نشانده مورد حمایت ایالات متحده به ریاست «نو دین دیم» در جنوب و با مرکزیت «سایگون» استقرار می یافت.

طی پنج سال، جنگ چریکی مجدداً آغاز شده بود، به طوری که دهقانان به رهبری «جبهه رهایی بخش خلق»- جبهه ای که کادرهای «ویت مین» از جنوب شکل داده بودند- در برابر رژیم «دیم» دست به سلاح بردند. در سال ۱۹۶۱، حکومت کندی هزاران مشاور امریکایی را به ویتنام جنوبی اعزام کرد. دو سال بعد، ایالات متحده از سرنگونی و قتل «دیم» و جایگزینی او با یک باند به مراتب فاسدتر از افسران ارشد پشتیبانی کرد.

اوایل ۱۹۶۵، در شرایطی که «سایگون» به وضوح رو به فروپاشی بود، رئیس جمهور امریکا «لیندن جانسن» فرمان تشدید گسترده عملیات نظامی را صادر کرد. ایالات متحده در اوج این حملات خود، بیش از نیم میلیون



سرباز را به ویتنام اعزام نمود و در این میان از قدرت ویرانگر ناپالم، بمباران متراکم و پخش سم دیوکسین (عامل نارنجی) و خلاصه هر چیزی در نوع سلاح های هسته ای، بهره برد. امپریالیسم امریکا مسئول کشتار نزدیک به دو تا سه میلیون نفر طی جنگی ۱۴ ساله (۱۹۶۱-۱۹۷۵) بود.

«جی‌آپ»، به عنوان فرمانده ارتش و وزیر دفاع، مسئولیت کامل عملیات نظامی ویتنام در سرتاسر این دوره را بر عهده داشت. همان طور که مشهور است، او در واقع معمار اصلی چیزی بود که ارتش امریکا «دنباله هوشی مین» می نامید؛ یعنی خطوط ارسال تدارکات در جنگل های لائوس که به واسطه آن تسلیحات، مهمات و نیروی جدید از شمال به جنوب انتقال می یافت.

نقش اخص «جی‌آپ» در چند برهه کلیدی در مرحله جنگ با امریکا، سیاه است. گفته می شود که او با «تهاجم تیت» یا دست کم با تصمیم به مبارزه علیه ضد حمله های امریکا در شهرهایی نظیر «هو» مخالف بود که همی امرن تلفات ویرانگری برای نیروهای ارتش رهایی بخش دربر داشت. او هم چنین مسئول یک تهاجم متعاقباً ناکام در سال ۱۹۷۲ بود که طی آن حملات مستقیم به مواضع امریکا، با شکست هایی سنگین دفع شد و به این دلیل «جی‌آپ» از مقام ریاست عملیات برکنار گردید.

«وان تین دونگ» به عنوان فرمانده «ارتش خلق ویتنام» پس از «جی‌آپ» روی کار آمد؛ اما «جی‌آپ» به عنوان وزیر دفاع باقی ماند، و بر تهاجم سال ۱۹۷۵، پس از عقب نشینی امریکا که رژیم «سایگون» را درهم شکست، نظارت داشت.



تخلیه پرسنل ایستگاه سازمان جاسوسی امریکا (سیا) در سایگون

نیویورک تایمز وادار شد که از شهرت نظامی «جی‌آپ» با تحسین یاد کند، اما درعین حال از لابه لای سطور آن نفرت امپریالیسم امریکا از دشمنی که نتوانست شکست دهد، تراوش می شد. نیویورک تایمز نوشت: «منتقدین جی‌آپ گفتند که پیروزی های وی ریشه در بی اعتنایی بی حد و حصر او نسبت به زندگی سربازانش داشته است»، و سپس به توضیح ننگین ژنرال وستمورلند که طی سال های ۱۹۶۴ و ۱۹۶۸ فرمانده نیروهای امریکا در ویتنام بود، استناد می کند و می نویسد: «هر فرمانده امریکایی که همان خسارات سنگین ژنرال جی‌آپ را متحمل می شد، نمی توانست سه هفته هم دوام بیاورد».

حماقت تلخی که در این ملاحظات به چشم می خورد، در واقع ویژگی کل پروژه ای است که امریکا در ویتنام آغاز کرد. در این جا هیچ چیزی درباره عملیات جنایتکارانه بعدی امپریالیسم امریکا در تعداد بی شماری از دیگر کشورها گفته نمی شود. این «جی‌آپ» نبود که میلیون ها ویتنامی را سلاخی کرد؛ بلکه ارتش امریکا، این ارتجاعی ترین و به خون آغشته ترین نیروی روی کره زمین بود که مرتکب این واقعه نزدیک به نسل کشی شد.

«جی‌اپ» در سال ۱۹۸۰ از مقام وزارت دفاع استعفا داد و در سال ۱۹۸۲ نیز ظاهراً به دلیل مخالفت با تهاجم ویتنام به کامبوج در سال ۱۹۷۹ از دفتر سیاسی برکنار گردید. به دنبال خلع ید رژیم خمرهای سرخ در کامبوج از سوی ویتنام، چین - به عنوان متحد و مدافع اصلی «پُل پوت» - به یک جنگ مرزی با ویتنام دست زد که آخرین کارزار نظامی در دوره طولانی حضور «جی‌اپ» بود و طی آن حملات چینی‌ها با تحمیل تلفات سنگین به آن دفع شد.

«جی‌اپ» نقشی مرکزی در شکست امپریالیسم فرانسه و امریکا در شماری از نبردهای طولانی و خونین تاریخ داشت. اما رژیم که او به استقرارش یاری رساند، یک رژیم سوسیالیستی نیست. «جمهوری دموکراتیک ویتنام»، به جای گشودن راهی نوین به سوی کارگران و دهقانانی که روحیه به واقع نامحدود ایثار و فداکاری شان ضامن پیروزی انقلابی بود، نشان داد که یک بن بست است.

ویتنام پس‌انگ تقلا می‌کند که مردم کشور خود را به عنوان نیروی کار ارزان به شرکت‌های فراملی امریکایی، اروپایی و آسیایی عرضه کند. در عین حال رژیم ویتنام وارد صلح با واشنگتن شده و مشغول همکاری نظامی و اتحاد ضمنی با امپریالیسم امریکا در برابر چین است.

سه دهه آخر حیات ژنرال «جی‌اپ» به بازنشستگی آسوده گذشت. در طی این مدت نظرات عمومی او همواره در حمایت از سیاست‌های راست‌گرایانه‌ای بود که رژیم استالینیست ویتنام دنبال می‌کرد. موردی وجود ندارد که او حتی به دنباله روی ویتنام از مدل چینی برای بازگرداندن مناسبات مالکیت سرمایه داری و در عین حال حفظ دیکتاتوری پلیسی-دولت تحت کنترل حزب کمونیست، اعتراضی کرده باشد.

بازدید مقامات عالی رتبه خارجی از «هانوی» طی این دوره، اغلب شامل نشست تشریفاتی با «جی‌اپ» می‌شد که طی آن این ژنرال بازنشسته همواره در مقام یک ناسیونالیست ضد استعمار و نه یک سوسیالیست یا انترناسیونالیست سخن می‌گفت. در پنجاهمین سالگرد تسلیم فرانسه در «دین بین فو»، «جی‌اپ» به خبرنگاران خارجی گفت: «اگر ملتی عزم ایستادن داشته باشد، بسیار نیرومند است. ما بسیار افتخار می‌کنیم که ویتنام نخستین مستعمره‌ای بود که توانست برخیزد و خودش به استقلال دست یابد».

«جی‌اپ» در مصاحبه‌ای طولانی در سال ۱۹۹۹ در برنامه مستند تلویزیونی «قرن مردم»، چشم انداز ناسیونالیستی‌اش را تشریح کرد. او ضمن تصدیق تأثیرات مخرب سقوط اتحاد شوروی بر اقتصاد ویتنام گفت:

«از من پرسیده شد که در مورد پرستروئیکا چه فکری می‌کنم. من هم پاسخ دادم که با این تغییر موافق بودم و گمان می‌کردم که چنین چیزی در روابط سیاسی لازم باشد. اما پرستروئیکا یک کلمهٔ روسی است، برای روس‌ها ساخته شده. این جا ما همهٔ کارها را به شکل ویتنامی انجام می‌دهیم».

او ادامه داد: «ما از تجربهٔ سرمایه‌داری، چه خوب و چه بد، می‌آموزیم. اما ما ایدهٔ ویتنامی خودمان را در مورد مسائل داریم. مایلیم اضافه‌کنم که ما هنوز خواهان استقلال هستیم، هنوز مسیری را که هوشی‌مین به ما نشان داد ادامه می‌دهیم، یعنی مسیر استقلال و سوسیالیسم. من هنوز هم یک سوسیالیست هستم، اما سوسیالیسم چیست؟ سوسیالیسم یعنی استقلال و وحدت برای کشور. یعنی آزادی و رفاه برای مردمی که آن جا زندگی می‌کنند. یعنی صلح و دوستی در بین همهٔ مردم».

در این جا اشاره ای گذرا هم به مارکسیسم نیست، کلمه ای دربارهٔ تضادهای آشتی‌ناپذیر طبقاتی در درون جامعهٔ سرمایه‌داری یا تقسیم جهان میان ملل تحت‌ستم و امپریالیسم نیست. «وو نوین جی‌اپ» هرچند به عنوان یک رهبر نظامی، چهره ای درخشان و متهور است، اما تا آخرین روزهای زندگی خود به لحاظ سیاسی در مدار استالینیسیم باقی ماند.

<https://www.wsws.org/en/articles/2013/10/15/giap-o15.html>